

## در مرکز جهانی بهائی

دیدار از مرکز جهانی بهائی در ارض اقدس و زیارت مقامات متبرکه همواره باعث رفع الم و موجب آرامش روان او می شد. اولین دیدار او از ارض اقدس پس از صعود هیکل مبارک، با توجه به اینکه قبلاً در آن مقامات مقدس برای اولین بار به حضور حضرت ولی امرالله مشرف شده بود، بسیار سخت و دردناک بود. این بار دیگر هیکل مبارک در قید حیات ظاهر نبودند و او برای شرکت در اولین انجمن حضرات ایادی امرالله به این سفر اقدام می کرد.

نامه ای که از لندن پس از مراسم تشییع حضرت ولی عزیز امرالله و بعد از شرکت در اولین انجمن حضرات ایادی امرالله نگاشته آکنده از غم، تأثر و تأسف است و در عین حال مشعر بر آن است که در کمال خضوع تصمیم دارد که حیات و هستی خویش را به ساحت مولای محبوب خود نثار نماید و از درگاه جمال ابهی توفیق و تأیید می طلبد که در راه اکمال و وصول به اهداف نقشه ی دهساله ی کبیر اکبر خدمت نماید. در دفتر خاطراتش این بیان حضرت ولی امرالله را که ضمن توقیع مورخ 4 جون 1957 ابلاغ فرموده بودند با خط جلی یادداشت کرده بود:

« مؤسسه ی ایادی امرالله که تأسیسی الهی و به موجب الواح وصایای مرکز عهد و پیمان رحمانی، دو وظیفه ی خطیر و مهم صیانت و تبلیغ امر حضرت بهاءالله را عهده دار می باشد، اکنون در سبیل انجام وظائف مقدسه ی خویش وارد مرحله ی جدیدی گردیده و علاوه بر مسئولیت قطعی و مسلمی که اخیراً نسبت به معاضدت و مساعدت محافل روحانیّه ی ملیّه ی عالم بهائی در اجرای سریع جهاد جهانی روحانی به آن مؤسسه محول شده از این به بعد وظیفه ی اولیه ی حفظ و صیانت جامعه ی بهائی عالم را نیز با همکاری نزدیک و مستمرّ همان محافل ملیّه عهده دار خواهد بود.»

در سال های متعاقب آن، هر وقت که رحمت به ارض اقدس سفر نمود و هر بار که به زیارت اعتبار مقدسه مشرف شد، همان تعهد خالصانه و قلبی خود را مبنی بر انفاق حیات و زندگانی خویش در راه خدمت به مولای محبوب تجدید نمود. در اواخر سال 1961 گیسو و من به ارض اقدس تغییر مکان دادیم و به این سبب دیدارهای رحمت از ارض اقدس افزایش یافت.

پس از صعود حضرت ولی امرالله و قبل از تشکیل بیت العدل اعظم، چنانکه یکی از حضرات ایادی مقیم ارض اقدس بنا به عللی به خارج سفر می نمود، یکی دیگر از حضرات ایادی به جای وی احضار می شد. از اواسط سال 1962 تا ماه می 1963 که پدرم، ایادی امرالله علی اکبر فروتن، از طرف مجمع ایادی مقیم ارض اقدس برای انجام مأموریتی به ایران عزیمت نمودند، رحمت موقتاً به جای ایشان منصوب شد. وی فهرست بندی الواح فارسی و عربی نازله از قلم اعلی و پیراعه ی حضرت عبدالبهاء را به عهده گرفت و علاوه بر شرکت در جلسات حضرات ایادی ارض اقدس، پذیرایی از زائرین و راهنمایی آنان برای زیارت اعتبار مقدسه موهبتی عظیم برای او محسوب می گردید. با وجود این بی صبرانه در انتظار بازگشت پدرم بود تا بتواند مجدداً خدمات تبلیغی خود را در اطراف و اکناف جهان ادامه دهد. روابط و همکاری رحمت با معهد اعلی در همه حال با خضوع و خشوع و اطاعت کامله ی صرفه همراه و توأم بود. در یادداشت های او اغلب استدعای اجازه برای رفتن به اسفار تبلیغی و اینکه رجای وی عنایتاً مورد تأیید بیت العدل اعظم قرار گرفته دیده می شود.

برای ایفای وظائف محوله از طرف معهد مقدس اعلی همان مجاهدات و اقداماتی را به عمل می آورد که برای وصول به اهداف نقشه ی ده ساله ی تنظیمی هیکل مبارک حضرت ولی امرالله مبذول می داشت.

دارالتحقیق بیت العدل اعظم چنین گزارش می دهد: «مراسلات و رقائم دکتر مهاجر به ساحت اقدس بسیار ساده و بی پیرایه ولی سرشار از احساس عشق و احترام و تعلق است. همیشه با اظهار عبودیت و ابراز محویت و فنا آغاز می شود و همواره با رجای ادعیه و عنایت و تأیید پایان می یابد. از تعارفات زانده و تکررات بی فایده پیراسته و به خلوص و اشتیاق خدمت و اطاعت و تسکین آراسته است.»

قسمتی از نامه ی وی انعکاس این نکته است: «انشاءالله در بولیویا یا یکی از ممالک دیگر آمریکای جنوبی رقائم شریفه ی آن هیئت مجلله را زیارت خواهم نمود و بر دستورات منیعه ی آن مقام مقدس مستحضر و آگاه خواهم گشت. خواهشمندم در اعتاب مقدسه برای این ذره ی بی مقدار کماکان به ادعیه ی مؤثره ی خویش ادامه فرمایند، موجب نهایت تشکر خواهد بود. به کمال انکسار.» (به ساحت معهد اعلی، 1969)

«چون این عبد ذلیل عازم آفریقا است، محتاج ادعیه ی بسیار است که بتواند در آن خطه ی مبارک در چنین موقع خطیر و حساس به تشویق دوستان و زیارت مؤمنین و خادمین موقّق گردد و درباره ی تبلیغ جمع کثیر که از مواعد منصوصه است به خدمتی و عبودیتی موقّق گردد. رجای دعا بسیار دارد که در اروپا و آفریقا قدمی در سبیل رضای الهی بردارد.» (به ساحت معهد اعلی، 1976)

هر بار که رحمت برای مشاوره به بیت العدل اعظم احضار می شد، مراتب تشکر و امتنان خود را از افتخاری که نصیب وی گردیده و خوشوقتی خود را از موهبت حضور در آن محضر مقدس ابراز می نمود.

معمولاً یک سال قبل از اختتام هر نقشه به فکر نقشه ی بعدی بود. بدین منظور جزئیات نیازهای هر جامعه ی بهائی را یادداشت و به تهیه ی جدول بزرگی می پرداخت که حاوی پیشنهادات و نظریاتش درباره ی نقشه ای بود که برای بررسی به ساحت بیت العدل اعظم الهی تقدیم می نمود. بسیاری از پیشنهاداتش مورد موافقت معهد اعلی قرار می گرفت و در طرح نهائی نقشه منظور می شد.

قسمت هایی از عریضی که به ساحت بیت العدل اعظم تقدیم داشته است نمایان گر توجه عمیق وی به امور امری در سراسر عالم و نشان دهنده ی میزان دوراندیشی او در تقدیم نظریات و پیشنهاداتش می باشد:

«تا به حال شاید در تمام آمریکای لاتین نقشه ی منظمی برای تبلیغ نژاد اسود طرح نگشته، بلکه بیشتر احبای عزیز به حق متوجه تبلیغ سرخ پوستان بوده اند و به تأییدات الهی به نتایج عظیمه چه در آمریکای جنوبی و چه در آمریکای مرکزی فائز گشته اند و یقین است که اگر احبای عزیز در سراسر این مناطق توجه خود را به نژاد اسود نیز متساویاً معطوف دارند نتایج مشابهی در تبلیغ ایشان به دست خواهند آورد، چنانچه اخیراً در آمریکای مرکزی در اثر اشاره ی آن مقام مقدس قرار است توجه مخصوصی به ساکنین ساحل شرقی ممالک بلیز، گواتمالا، هندوراس، نیکاراگوا، کستاریکا و پاناما که همه از نژاد اسودند مبذول گردد و سعی وفیر در تبلیغ ایشان به عمل آید. همچنین میلیونها از نژاد اسود در برزیل

ساکنند که باید نقشه‌ی مخصوصی برای تبلیغ ایشان طرح گردد، به همین نحو برای ساکنین جزائر کاریبین که به سه زبان فرانسه، انگلیسی و اسپانیایی صحبت می‌نمایند و تعداد ایشان از پانزده میلیون متجاوز است و شاید بالمآل ایشانند که باید علم صلح و دوستی را بین این نژاد عمده‌ی بشر در شرق و غرب عالم بلند نمایند.» (به ساحت معهد اعلی، 1969)

« یکی از نکات مهمی که باید در نقشه‌های آینده مورد توجه قرار گیرد مسأله‌ی عدم تمرکز تشکیلات اداری در یک نقطه است، یعنی Decentralization، زیرا وسعت امر در هر مملکت به مقامی رسیده که به خصوص امور تبلیغی و تربیتی باید به صورت ناحیه‌ای اداره شود، یعنی تأسیس یک سلسله‌ی حنائر قدس ناحیه‌ای در دیستریکت‌های مختلف و تأسیس مقدار زیادی لجنه‌های تبلیغی ناحیه‌ای، حتی مجلات و تدریس به زبان‌های ناحیه‌ای و امثالها که در هر منطقه توسط خود بومیان آن منطقه اداره گردد...» (به ساحت بیت العدل اعظم، 1978)

« در کره چند مسأله قابل ملاحظه است، یکی آنکه زن‌ها در کره تبلیغ نشده‌اند و شاید هشتاد یا نود درصد مؤمنین از جمله‌ی مردان هستند، لهذا نقشه‌ای باید برای تبلیغ زن‌ها در نظر گرفت. همچنین اطفال کره به میدان نیامده‌اند و خود محفل ملی کره چند سال قبل نقشه‌ی وسیعی برای آنکه خود مخارج تبلیغی خود را عهده‌دار شوند تهیه و تقدیم نموده‌اند که باید مجدداً مطالعه شود. استعداد روحانی و تبلیغی در کره ده برابر ژاپن است و از این موقعیت باید استفاده‌ی کامل شود.» (به ساحت بیت العدل اعظم، 1978)

« از جمله مؤسساتی که تأسیس آن در ارض اقدس ضروری و از متفرعات دیوان عدل الهی محسوب خواهد بود، تأسیس مؤسسه‌ی روابط بین‌المللی بیت العدل اعظم خواهد بود که مانند وزارت خارجه روابط بیت العدل اعظم الهی را با سیاستون و زمامداران عالم محکم و مرتبط خواهد نمود و به تدریج راه را برای تأسیس صلح اکبر مهیا و فراهم خواهد ساخت. تأسیس و تحکیم و تحولات این مؤسسه است که نظم اداری حضرت بهاءالله را که فعلاً در امور داخلی امر حصر افکار نموده است، تبدیل به نظم بدیع حضرت بهاءالله خواهد نمود که اصلاح و اداره‌ی جمیع امور عالم منوط و مربوط به آن خواهد بود. تأسیس چنین مؤسسه‌ای در ارض اقدس و سائلی فراهم خواهد نمود که در هر مملکتی امر مبارک نه تنها به صاحبان آرا و اقتدار ابلاغ شود، بلکه با تماس کامل و نزدیک با رؤسا و زمامداران به تدریج اصول تعالیم مبارک در تنظیم قوانین مملکتی و فرهنگی به کار رود، ولو آنکه این نفوس در ظلّ امر مبارک وارد نگردند، و این امر در نهایت ضرورت و حتی فوریت است زیرا بسیاری از ملل عالم در بیست سال اخیر استقلال یافته‌اند و دوره‌های اولیه‌ی تکوین سیاسی خود را طی می‌نمایند و تا این قوانین متحجر و منجمد و متشکل نگشته جای نفوذ تعالیم روح بخش امر مبارک به خصوص در مسائل تربیتی و اخلاقی و عملی و حقوق زنان و صلح عمومی است.

آنچه تا به حال به عنوان جامعه‌ی بهائی در نیویورک تأسیس گشته که طبق نقشه‌ی ده ساله رابطه‌ی امر را با سازمان ملل نزدیک نماید، مقدمه‌ی همین کار بوده و حال این مؤسسات نیویورک باید تحت مؤسسه‌ی مخصوص در ارض اقدس اداره شود و اتساع لانه‌ی یابد. همچنین مؤسسه‌ی دیگری در ژنو تأسیس شود که آن نیز تحت قیادت مؤسسه‌ی ارض اقدس واقع شود و کار این دو مؤسسه فقط با سازمان ملل نبوده، بلکه با تمام سران و بزرگان عالم در تمام جهان است که

شخصیت بیت عدل اعظم الهی را به عنوان یک مصدر قوت و قدرت عظیمه، نه تنها روحانی بلکه اداری و جهانی، معرفی نماید.» (به ساحت بیت العدل اعظم، 1978)

در بین سال های 1963 تا 1978 در چهار انجمن شور روحانی بین المللی شرکت کرد. درخواست وی برای اقدام به تبلیغ میلیونها نفر در سراسر جهان با آنکه به نظر اغراق آمیز می آمد ولی همواره با تحسین نمایندگان کانونشن روبرو می شد. در کانونشن 1978 اظهار داشت:

« می خواهم درباره ی تبلیغ جمهور سخن بگویم، آیا انتظار دیگری از من دارید؟ مشخص نیست که این عهد تکوین چه زمانی به عصر ذهبی منتهی خواهد شد. حضرت ولی امرالله فرموده اند که مجاهدات بهائیان عالم منادی و مبشر حلول عصر ذهبی حضرت بهاءالله است. لذا احبای الهی با اقدامات خستگی ناپذیر تبلیغی و مؤثر خود در بین جمهور بشر قادرند که این عصر ذهبی را قریب الوقوع سازند. اکنون وقت ترقی و نمو است و هنگام کسب قدرت و استحکام بنیان امر الهی. فرصت فرا رسیده است. این فرصت همواره موجود بوده است. حضرت مولی الوری فرموده اند که افواج مردم جهان به ایمان به امر هجوم خواهند آورد. تعداد مؤمنین باید بیش از آنچه هست ازدیاد یابد. کافی نیست که فی المثل در هندوستان از هر هزار نفر یک نفر بهائی باشد و یا در بولیویا از هر پنجاه نفر یک نفر به شریعه ی الهی وارد شده باشد. وقتی تبلیغ جمهور در جهان آغاز شد، با اینکه وسائل و منابع قلیل بود و افراد مناسب کافی به نظر نمی رسید، این امر عملی شد و به انجام رسید. باید به نیروی امر حضرت بهاءالله کاملاً مؤمن باشیم و برای تبلیغ به پیش بتازیم. وقتی به کشور خود مراجعت کردید امکانات تبلیغ افواج مؤمنین را بررسی کنید...»

رحمت در یکی از کانونشن های بین المللی پیشنهاد کرد که در مدت یک سال پنج میلیون نفر به شریعه ی الهی رهنمون شوند. به استماع این پیشنهاد نفس در سینه ها حبس شد و صدای کف زدن و تحسین متوقف گردید. امة البهائ روحیه خانم نظامت جلسه را بر عهده داشتند، فرمودند گرچه دکتر مهاجر درخواست پنج میلیون نفر را نموده است ولی تصور می کنم به دویست هزار نفر هم راضی خواهد شد. با خنده و کف زدن حضار، دیوار سکوت حکمفرمای بر جلسه شکسته شد.

رحمت اکثر نمایندگان حاضر در جلسه را شخصاً می شناخت و پس از ختم هر جلسه با یکایک آنان در مورد اقدامات تبلیغی در کشور آنان مذاکره می کرد. این جلسات پیوسته و توأم با وجد و سرور و کلاً امیدوارکننده بود. اعضای محفل روحانی ملی کشورهای مختلف از دیدار رحمت به عنوان دوست صمیمی و قدیمی خود ابراز مسرت می نمودند و یقین داشتند که به زودی وی را برای کمک و مساعدت در اجرای اهداف محوله در کشور خود ملاقات خواهند کرد و به همین جهت پیشنهادهایش را از صمیم قلب می پذیرفتند و اجرای آن را متعهد می شدند.

قبل از اینکه ما مقیم ارض اقدس باشیم، هر بار که رحمت به آن شطر سفر می کرد، در منزل والدین من وارد می شد ولی مانند همیشه در تب و تاب بود تا هر چه زودتر مأموریت خود را در ارض اقدس انجام داده و به صوب خارج و به طرف خدمات تبلیغی روانه شود. والدین من اغلب برنامه های خود را به خاطر او تغییر می دادند، زیرا یک روز صبح که از خواب برمی خاستند، وی را در حال جمع کردن جامه دانش می دیدند. هرگز لحظه ای بیش از آنچه لازم بود حتی در ارض اقدس نیز توقف نمی کرد.

منبع: دکتر مهاجر، نوشته ی ایران فروتن، صفحات 617- 623.

[[www.Vaselan.org](http://www.Vaselan.org)]

[www.Vaselan.org](http://www.Vaselan.org)